

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۷

مسیح در مانویت^۱

ورنر زوندرمان^۲

ترجمه حمیدرضا اردستانی رستمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۸

چکیده:

در مانویت، همانند نظام‌های گنوسی پیشین، واژه مسیح (در یونانی: «تدهین‌شده») و عیسی مسیح به روش‌های گوناگون استفاده می‌شد؛ البته [مسیح و عیسی مسیح] نسبت به واژه عیسی به تنهایی، کاربرد کم‌تری داشت. فهم مناسب از لقب مسیح، تنها در کنار نام عیسی حاصل می‌شود؛ در نتیجه، این‌جا به گونه‌ای کوتاه، به بررسی نام عیسی خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: عیسی درخشان، عیسی رنجبر، عیسی تاریخی، عیسی خردسال، عیسی ماه، عیسی عروج‌یافته.

۱- مسیح در گُتمان مانویت:

نام خاص عیسی که در مسیحیت آغازین به «یهوه (Yahweh) یعنی کمک» تفسیر می‌شد، ممکن بود یا به همراه لقب مسیح یا بدون آن به کار رود. البته مسیح نیز به تنهایی که گویی خود یک نام است، به کار می‌رفت. روحانیان کلیسای نخستین معتقد بودند این‌گونه استفاده از عیسی،

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Sundermann, Werner. "CHRISTIANITY v. Christ in Manicheism," in *Encyclopædia Iranica*, vol. V, fasc. 5, Costa Mesa, 1991, pp. 335-39.

۲. استاد زبان‌های ایرانی در دانشگاه هاروارد

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول H_ardestani_r@yahoo.com

آرزوی اسراییل را برای یک رهایی بخشِ آخرالزمانی به تحقق می‌رساند. از سوی دیگر، در آموزه‌های گوسی، برای جداسازی عیسی زمینی؛ [یعنی] مردی به نام عیسی اهل نازارث (Nazareth)، از مسیح آسمانی / رهایی بخشِ لاهوتی، گرایشی فراوان هست؛^۱ تمایزی که پیش‌تر در جامعه یهودی - مسیحی (Elchasaite)، از آن خبر داده شده بود؛ جامعه‌ای که مانی [در آن] با این باور پرورش یافت که عیسی آسمانی درون خاک و آب، در عذاب است.^۲ در مانویّت، نگرش مسیحیّت نسبت به از خودگذشتگی [قربانی شدن برای شفاعت] منحصر به فرد عیسی، در نظر گرفته نشده است؛ در نتیجه، این‌گونه به نظر می‌رسد که [وجود] عیسی در گفتمان مانی ضروری نبوده است؛ گرچه او در واقع یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها در نوشته‌های مانوی بود و دست‌کم با شش ویژگی متفاوت تشخیص پذیر است^۳ که همه آن‌ها اهمیتی شایان برای پرستش و باور مانویّت دارد.

۱- عیسی درخشان (Jesus Splendor در آرامی - سُریانی. در متن‌های پارسی: Yišō' Zīwā) رهایی-بخشی است که نور زندانی شده در مردمان را نجات می‌دهد که هوش رهایی بخش، نوس بزرگ (Great Nous)، تجلی او است (پولوتسکی میان این دو تمایز قایل نمی‌شود).^۴ عیسی درخشان یکی از ایزدان رهایی بخش «سومین فراخوانی» است؛ (پدر بزرگ) مجموعه‌ای از خدایان را با هدف رهایی بخش فرامی‌خواند^۵ و در جایگاه تجلی سومین پیام‌آور، نخستین عضو سومین فراخوانی^۶ از او یاد شده است؛ اما به دلیل اهمیت و خویش‌کاری چندگانه‌اش در سلسله‌مراتب ایزدان، متفاوت نشان داده می‌شود. برای نمونه، پسر خداوند (یعنی پدر بزرگی) یا پسر نخستین بشر (دومین عضو «فراخوان نخست»)^۷.

1. Rudolph, 1983: 148-71.

2. Koenen, 1978: 181-90.

3. Puech, 1949: 81-84; Boyce, 1975: 10.

4. Polotsky-Böhlig, 1940: 35. 18-24; Alexander of Lykopolis, 1895: 34. 21.

5. Boyce, 1975: 10.

6. Polotsky-Böhlig, 1940: 35. 13-14.

7. Boyce, 1975: 9.

۲- عیسی رنجبر (Jesus patibilis/عیسای مصلوب) که برابر است با نَفْسِ زنده؛ یعنی نوری که در ماده زندانی است و مانند مسیحی که در تاریخ به صلیب کشیده شده است، در جهان به تصویر کشیده می‌شود.

۳- باور بر این است که عیسی، اهلِ نازارث، در تاریخ به ریختِ فرستاده نور در شمایلِ یک انسان بر زمین آشکار شد که حقیقت را آشکار سازد و مُعجزه کند. این باور که وی در زندگی زمینی خود، فقط در پی اطاعت و ریاضت و مرگ بود، برتابنده گُفتمانِ متداولِ مسیح‌شناسی گنوسی است که بر پایه این اندیشه، عیسی را بدنی انسانی نیست و یک سره جنبه روحانی دارد. وصف‌های آشکار درباره امیال و مرگ او، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند و نمی‌توان حتی مانوی‌ها را که این موضوع را به طور صوری پذیرفته‌اند از این قاعده مستثنی کرد؛ [گرچه] در شواهدی، صفت جسمانی تصویر مانویان از عیسی، بی‌هیچ ابهامی بازگفته شده است.^۱ در متنی پارسی، از دگرگونی «ریخت و دیدار» عیسی [به عنوان] یک راز نام برده شده است^۲ که به گفته آگوستین^۳ به رازِ مصائبِ عیسی اشاره دارد. زندگی مادیِ ظاهریِ عیسی، این نتیجه‌گیری را روا می‌دارد که عیسی روی زمین، چیزی جز دگرگونیِ عیسی درخشان نیست.

۴- عیسی عروج یافته یا مُنجیِ آخرالزمان، پس از داوریِ نهایی‌اش و پیش از این‌که آتش بزرگ، باقی‌مانده نور قابلِ رهاشدن را پاک کند، ۱۲۰ سال بر مردمان فرمان‌روایی خواهد کرد. از موعظه قبطی درباره جنگ بزرگ که در آن عیسی درخشان، خود در حال صادرکردن حکمِ آخر به تصویر کشیده شده است، واضح است که این ویژگی با نخستین [ویژگی]، ارتباطِ نزدیک دارد.^۴

۵- عیسی خردسال نیز در جایگاه تجلیِ عیسی درخشان توصیف می‌شود.^۵ بهترین تعبیر از او، مظهرِ خواستِ روح برای رستگاری است.^۶ آشکارا میانِ عیسی مصلوب و عیسی خردسال پیوند هست؛ اما این مسأله، بایسته جست‌وجویی بیش‌تر است.

1. Rose, 1979: 120-28.

2. Henning, 1944: 112. text M 24. rāz.

3. *Contra Faustum Manichaeum* 33.1.

4. Polotsky, 1934: 37.4.

5. Polotsky-Böhlig, 1940: 92.7-8, 35.27-30.

6. *Mir. Man*, III, 878 n. 4; Pederson, 1988: 177-78.

۶- از آن جایی که عیسی درخشان، جایگاه آسمانی خود را دست‌کم در باور معمول [مانوی]، در ماه دارد^۱ ماه نیز با عیسی درخشان شناخته می‌شود. در یک متن سُغدی، این عبارت وجود دارد که «در شب، وقتی که عیسی [ماه] بالا آمد»؛^۲ در نتیجه، می‌توان تمام ویژگی‌های تصویر عیسی در مانویّت را از مفاهیم شمایل آسمانی رهاشدن و ریاضت‌کشیدن استنتاج کرد. در [این مفاهیم] عیسی در کیهان‌شناخت مانویّت و گونه اصیل «رهای دهنده - رهای یافته»، تقریباً [روحی] همه جا حضور یابنده است؛ نظری که با اندیشه گوسی پیوند می‌یابد.^۳ از سوی دیگر، عیسی در بسیاری از ویژگی‌هایش، با باشنده اسطوره‌ای دقیق‌تر، جای‌گزین می‌شود: عیسی درخشان نوس بزرگ را، عیسی رنج‌روان جهان و عیسی خردسال اندیشه زندگی (Enthymesis of Life)، عیسی ماه را با عنوان ماه (فارسی میانه و پارسی: māh، سُغدی: māx) نمایندگی می‌کند و جز آن.

۲- القاب مسیح و مسیحا:

در سنت مانویّت غربی که اصولاً متن‌های یونانی، لاتین و قبطی آن را نمایندگی می‌کند، نام خریستوس (Khristós) برای عیسی به کار می‌رود. نمونه‌هایی متعدّد در نسخه‌های یونانی مانوی در گُلن وجود دارد که به جز یکی از آن‌ها^۴ باقی نقل قول‌ها از نامه‌های پائول (Paul) است. مطابق با [سخن] اسکندر، اهل لیکوپولیس (Lykopolis)^۵ مانوی‌ها او را Khrēstós (در نوشته‌های [مانوی] «اصیل، عالی، خوب»)^۶ نامیدند؛ اما این ریخت، اگرچه کاملاً هم‌راستا با دست‌نوشته‌های مانوی نیست^۷ در جامعه یونانی‌زبان هم، شکل روانی ندارد. از یونانی، p-khristos قبطی

1. Polotsky, 1935.
 2. Sundermann, 1981: 47.541 and n. 5.
 3. Rudolph, 1983: 121-31.
 4. Cirillo et al., 1985: 227.
 5. p. 66.4.
 6. p. 34.18-21.
 7. Horst, 1974: 91-92.
 8. Polotsky, 1934: 72.9; idem, 1935.

حاصل شد^۱ و از لاتین xpi (برای مسیح) و xpo (برای Christo).^۲ همانند کاربرد لقب مسیح در مسیحیت، این لقب می‌تواند در کنار نام عیسی بیاید یا به تنهایی استفاده شود. در سنت‌های شرقی و میان‌رودانی مانویّت که اصولاً متن‌های ایرانی و ترکی و چینی آن را نمایندگی می‌کند، ریخت آرامی اصیل Mšīhā ارجح است؛ Mšy[h'] طبق نوشته‌ای آرامی، حکاکی شده روی سنگ. شیشه‌ای مانوی تصدیق شده است.^۳ این واژه در ریخت mšyh' و mšyh'h' و mšyh' از آرامی به پارسی رسید.^۴ مšyx' در متن سُغدی 1. 2 12398 که در متن «نیایش سرود» M 53 (پشت دست نویسی 1. 12) آمده است: 'Y-g'- 'šy-y-y-h' - m' که بازگوینده تلفظ [نام] مسیحا است. این صورت‌ها برگرفته از mš'y-x' سُغدی مانوی و mšyx' (متن سُغدی) و mšyh'(h) (متن مانوی) است.^۵ در ترکی کهن هم mšyh' (متن مانوی) و mšyx' (متن سُغدی) پدیدار می‌شود. در فارسی میانه مانوی mšīhā، مانند دیگر کلمات آرامی به ندرت استفاده می‌شد.^۶ فقط سه استثنا دیده می‌شود.^۷ (M 325 1. 3 و M 6230 1. 10، صورت m'm wsyn در M 28 II روی برگ دست نویسی 1. 2، یک کوتاه‌نوشت شمرده می‌شود).^۸ صورت‌هایی از مسیح را برای مثال، مسیح در عربی و فارسی نو که در منابع ضدّ مانوی یا غیر مانوی به زبان‌های دیگر یافت شده است،^۹ می‌توان از این صورت‌ها در دست‌نوشته‌های مانوی برگرفت. واژه مسیح یا مسیحا، مانند کاربرد آن در مسیحیت، می‌تواند در کنار نام عیسی یا به تنهایی به کار رود. در متن‌های فارسی میانه، واژه آریامان (Aryāmān) برای مسیح و خردیشهریزد (Xradišahr- yazad) برای عیسی یا عیسی مسیح استفاده شده است. آریامان (متن: «دوست»). رجوع کنید به پهلوی: ērmān «دوست» یکی از نام‌هایی است که مانی از دین زردشتی گرفته است. آریامان

1. Allberry, 1938: 45.
2. Merkelbach, 1988: 255-256.
3. Decret, 1974: 70.
4. Boyce, 1977: 58; Sundermann, 1981: 165.
5. Sundermann, 1981: 185.
6. Zieme, 1975: 76. Ms. U 189, Recto l. 6.
7. Sundermann, 1979: 103.
8. Henning, 1943: 58.
9. *Mir. Man. II*, p. 315 n. 7.
10. Taqīzāda and Afšār Šīrāzī, 1335 Š./1956: 580.

زردشتی (بنگرید: airyaman) ایزدی است که در آغاز *Airiiāmā īšiiō* (بنگرید: airyaman išya) نام برده شده است. این احتمال هست که مانی این نام را تا حدی به دلیل همانندی صوتی میان دو عبارت *Aryāmān Yisō* (یافت شده در کنار *Yisō Aryāmān*) و *Airiiāmā īšiiō*^۱ برگزیده باشد. هم معنی بودن آریامان و مسیح از متن های یونانی و فارسی میانه سرود «من مانی هستم، حواری عیسی مسیح [یونانی] / آریامان عیسی [فارسی میانه] استنباط می شود». مانی واژه خردیشهریزد «ایزد جهان خرد» (God of the world of wisdom) یعنی نوس نور (Light Nous) را در کتاب خود، *شاپورگان* (تنها کتابی که مانی به فارسی میانه نوشت، شاید برای این که بتواند آموزه های خود را به شاپور یکم به تفصیل شرح دهد) ابداع کرد.^۲ گرچه هیچ نشانه ای، دال بر این که این واژه معادل مسیح است، وجود ندارد.

۳- کاربرد القاب:

دیدگاه ها درباره اهمیت نام عیسی و القاب مسیح یا مسیحا، با رشد تنه نوشته های مانوی آغازین که در این قرن کشف شد، پرورش یافت. در آغاز قرن نوزدهم، ف. سی. بار^۳ گمان بر این گذاشت که نام عیسی با ویژگی رنجبر و مسیح یا مسیحا با ویژگی رهایی بخشی در پیوند است؛ گرچه اسناد تازه، چنین تمایز مشخصی را ثابت نمی کند. به تازگی یوجین زُر اظهار کرده است که این دو واژه در نوشته های [مانوی] به جای هم به کار می رود؛ گرچه منجی، بیش تر به عیسی اشاره می کند. تعریف زُر از عیسی مسیح (طبق تعریف آگوستین) در جایگاه «خدای آسمانی» و همچنین تعریف ج. رایز^۴ از عیسی مسیح به عنوان «عیسای جسمانی» تمام طیف کاربرد آن را در بر نمی گیرد. در واقع، واژه های عیسی، مسیح و عیسی مسیح، غالباً به جای هم به کار می رود و هیچ یک برای ویژگی بی جداگانه نگه داشته نشده است.

1. Schaefer, 1927: 129 n. 1; Wesendonk, 1929: 158.

2. Sundermann, 1979: 132 n. 234.

3. F. C. Baur, 1928: 71-77, 203-238.

4. Eugen Rose, 1979: 57.

5. J. Ries, 1978: 323; Boyce, 1975: 10.

هم در متن‌های قبطی و هم ایرانی، مسیح و مسیحا نخستین ویژگی عیسی [مقصود ویژگی‌های عیسی در شماره یک است] عیسی درخشان را نشان می‌دهند. مسیح یکی از ایزدانِ رهایی‌بخش است که در مانستان‌های مانوی، پیوسته در سرودها فراخوانده می‌شود (مثلاً *مزمور قبطی برای مسیح*)^۱. در سرودی پارسی M 369 عیسی به نام *Yišō' Zīwā* خوانده شده است. در یک نسخه خطی منتشرنشده پارسی (M 6598, ll. 3-4)، عبارت *Čyhr̄g mšyh* گویا به «نمایان‌شدن مسیحا» به باکره نور، دیگر عضو «سومین فراخوان» و نزدیک‌ترین شریک عیسی درخشان اشاره دارد.^۲ تعیین دومین ویژگی عیسی، عیسی رنجبر در جایگاه مسیح یا مسیحا، اصولاً از متن‌های مسیحیت نخستین شناخته شده است.^۳ متن‌های آغازین مانویّت چندان قابل فهم نیست؛ گرچه نشانه‌ای آشکار وجود دارد که عیسی رنجبر می‌تواند مسیحا باشد (رجوع کنید به *سرود پارسی «هنر تو شایسته پرستش است»* که در آن *نفس زنده (living self)*، *ویوا آنیما (Viva Anima)*، مسیحا نام دارد).^۴

استفاده مسیح یا مسیحا، شاید برای معین کردن سومین ویژگی عیسی مانوی، عیسی تاریخی نازارث، بهترین گواه است. در متن فارسی *میانۀ کتاب غولان (Mšīhā Book of the Giant)* در فهرست پیامبران، در جایگاه [پیامبر]، دقیقاً بی‌درنگ در پی مانی آورده شده است (پس از شیث، زردشت و بودا) که حقیقت را برای بشر آشکار کردند.^۵ در متن‌های پارسی که روزها و ساعات انتهایی زندگی عیسی را توصیف کرده است، به مسیح با نام *yyšw' mšyh'h* اشاره شده است.^۶ در متنی سغدی درباره معجزات عیسی، از او با [عنوان] *mšyx* نام برده شده است.^۷ در بعضی نوشته‌ها، لقب مسیح مشخصاً دال بر چهارمین ویژگی عیسی است؛ یعنی عیسی آخرالزمانی که بیش از ۱۲۰ سال بر بشر حکمرانی خواهد کرد (متن پارسی منتشرنشده: M 35

1. Allbery, 1938: 116-17.

2. Waldschmitt and Lentz, 1926: 118; Boyce, 1975: 123.

3. Waldschmitt and Lentz, 1926: 55-56, 62; Polotsky, 1934: 86. 10-11.

4. Augusting, *Contra Fausum Manichaeum* 2.5, 20.11; Evodius, *De Fide* 36; Baur, 1928: 72-74.

5. : Waldschmitt and Lentz, 1926: 105.

6. Henning, 1943: 58 ll. 152-55; tr. 63.

7. Sundermann, 1981, ll. 1013, 1126-27, 1134.

8. Sundermann, 1981, ll. 522, 528, 592.

recto ll. 13-14). شاید مرجعی که در یک متن سحرآمیز پارتی آمده است و در آن «خدا عیسی مسیح» (xwd'y yyšw mšyh[?]) در کنار مانی و فرشته مقرب، برای شکست دادن شیاطین، بیماری و دیگر شَرها فراخوانده می‌شود، به این زُمره تعلق داشته باشد.^۱ نام آریامان که در فارسی میانه معمولاً جانشین مسیح می‌شود، در عبارت 'ry'm'n 'ryišw' پشوع آریامان (عیسی مسیح) استفاده می‌شود. برای نمونه، در متن فارسی میانه از واژگان سرآغاز/نجیل زنده ('n m'ny prystg) 'yg yyšw' 'ry'm'n «من مانی هستم، فرستاده پشوع آریامان». فارسی میانه، پشت برگ دست-نویس M 17 I ll. 4-6.^۲ «من مانی‌خویوس/Manikhaios هستم، فرستاده عیسی مسیح» و در سرسخن نامه مهر/Seal Letter ('ry'm'n *yyšw' m'ny prystg «مانی حواری پشوع آریامان». فارسی میانه، روی برگ دست‌نویس M 1313 ll. 7-8). به نظر این عبارت، تقلیدی از کلمات آغازین نامه‌های پائول (Paul) است که الهیات آن برای مانی کاملاً آشنا بود. عیسی آریامان به احتمال بسیار نسبت به نام عیسی در نامه‌های پائول: عروج‌یافته یا آسمانی، رهایی‌بخش از اهمیتی یک‌سان برخوردار است. اشاره‌ای که در پشت برگ دست‌نویس M 36 l. 7 آمده است،^۳ اندکی ناآشکار است که در آن «بلندترین روح» (gryw bwrzyst) روح جهان به نظر pws 'ry'm'n [w]yyš نام دارد. بنا بر [دیدگاه] و. ب. هنینگ، این عبارت به معنای «پسر عیسی آریامان است»؛ اما به احتمال بسیار می‌توان او را «پسر [خدا]، عیسی آریامان» (Prods Oktor Skjærvo) گفت‌وگوی شخصی) یا «پسر بشر، عیسی آریامان» تعبیر کرد که پسر نخستین انسان در اصطلاحات مانویت است. آریامان گاهی در جایگاه دوست بشر نشان داده شده است که معنی دقیق این نام است. از این روی، این ترجمه دقیقاً مطابقت دارد با ویژگی‌های عیسی به عنوان «دوست، معشوق» که عیسی درخشان است (برای مثال، متن پارتی: fry'ng «دوست»؛ چینی: shàn zhī shì zhè معنی تحت‌اللفظ یعنی «کسی که خوبی را می‌شناسد و به یاد می‌آورد»؛ مطابق با kalyābāmītra «دوست» در متن‌های بودایی (پرادز اکتور شروو، گفت‌وگوی شخصی) که

1. Henning, 1974: 50 l. 2.

2. Müller, 1904: 26; Cirillo et al., 1985: 66.4-5; Koenen and Römer, 1988: 44-45.

3. Mir. Man. II, 325.

عیسای درخشان است. 'p-merit قبطی «معشوق»، عیسای آخرالزمان را نشان می‌دهد؛ همان-گونه که به ویژه کلمهٔ ḥaβtīβā «دوست، معشوق» در سُریانی یا آرامی، معنی عیسای آخرالزمانی را می‌دهد که همچنین در کتاب *المکاتبِ بارکونای* (*Book of Scholia of Bar Kōnay*) به معنای عیسای درخشان است^۱ که آدم را بیدار می‌کند.^۲

در متن‌های مانوی اخیر، مانی خود در جایگاهِ خدایی که مسیحا به او رجوع کرد، ستوده شده است (bg mšyh).^۳ و در متن پارتی (II 3-4: M 5691) «mšyh'n rwšn'n» «مسیحای نورانی» در کنار *q'w'n hynz'wr'n* «غول‌های قدرت‌مند»، ظاهراً به عنوان گروهی از شخصیت‌های اساطیری نامشخص یاد شده است.

شواهد گردآوری شده از متن‌های بسیار و گوناگون مانویّت، گسترش کاربرد واژهٔ مسیح، مسیحا و آریامان در مانویّت را که در پی می‌آید، نشان می‌دهد. نخست در متن‌های [مانوی] که بر اساس متن‌های دقیق مسیحی است، این واژه مانند سُنّتِ یهودی-مسیحی، به عنوان لقبی برای عیسی، اهل نازارث یا عروج‌یافته یا عیسای آخرالزمان استفاده می‌شده است. حتی متن‌هایی وجود دارد که در آن همچنان مسیح به عنوان یک یهودی برای پادشاهِ مردمِ خدا تعبیر می‌شود.^۴ دوم در عُرفِ استفادهٔ مانویّت از این لقب، لقبی والا برای عیسای درخشان و کم‌تر برای عیسای رنجبر به کار می‌رفته است. فقط عیسای خردسال و عیسای ماه در هیچ‌یک از متن‌های شناخته شده، مسیح نامیده نشده‌اند. این واژه غالباً نشان‌دهندهٔ عیسایِ فَعّال، رهایی‌بخش، در بسیاری از نمودهایش بوده است (ویژگی‌های ۱، ۳، ۴). در متن‌های فارسی میانهٔ مانویّت، مسیحا تقریباً به کُلّی با آریامان جای‌گزین می‌شد. در نهایت، در مانویّت شرقی این واژه می‌توانست به آسانی به عنوان لقبی مُجَلَّل برای مانی یا حتی هر گروه نامشخص از چیزهای مقدّس به کار رود.

گرچه در کُل، مسیح و مسیحا کم‌تر از عیسی به کار رفته است و هیچ‌گاه در عباراتی ثابت مانند *yyšw' zyndkr* یعنی «یشوع زنده‌گر» در فارسی میانه، *yyšw' spyxt'n* «یشوع درخشان» در

1. Bar Konai, 1960: 317.20.

2. Puech, 1949: 81.

3. Henning, 1937: 19 l. 46.

4. Sundermann, 1968: 395; idem, 1981, ll. 1188-91.

پارتی fry'ng yyšw' «یشوع دوست» یا iēs p-papeau قبطی به معنی «عیسای شُکوه‌مند» استفاده نشده است، (هیچ نمونه‌ای از خریستوس/مسیح مصلوب که Baur گمان می‌برد، نیست).^۱ سنجشی که ابن‌الدیم، نویسنده قرن ۴ ق/ ۱۰ م در متنی که بنا به گفته بعضی، از کتاب رازان مانی بازگفته شده است، میان عیسی و حبیب «دوست» از یک سوی و مسیح پسر [زن] بیوه‌ای که به صلیب کشیده شد از سوی دیگر انجام داده است، هیچ هم‌تایی در متن‌های مانوی نخستین ندارد.^۲

منابع و مأخذ:

- Alexander of Lykopolis, 1895. *Contra Manichaeos*, ed. A. Brinkmann, Leipzig.
- C. R. C. Allberry, ed., 1938. *A Manichaean Psalm-Book II*, Stuttgart.
- F. C. Baur, 1928. *Das manichäische Religionssystem nach den Quellen neu untersucht and entwickelt*, Tübingen, 1831; repr. Göttingen.
- M. Boyce, 1975. *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian Text*, Acta Iranica 9a, Tehran and Liège.
- Idem, 1977. *A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Acta Iranica 9a, Tehran and Liège.
- L. Cirillo, A. Concolino Mancini, and A. Roselli, 1985. *Codex Manichaicus Coloniensis. Concordanze*, Cosenza.
- F. Decret, 1974. *Mani et la tradition manichéenne*, n.p.
- G. Flügel, 1862. *Mani, seine Lehre und seine Schriften*, Leipzig. (Figure 1).
- W. Geerlings, 1972. "Der manichäische "Jesus patibilis" in der Theologie Augustins," *Theologische Quartalschrift* 152, pp. 124-31.
- W. Henning, 1936. *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, APAW, Philosophisch-historische Klasse.
- Idem, 1943. "The Book of the Giants," *BSOAS* 11/1, pp. 52-74.
- Idem, 1944. "Brāhman," *TPS*, pp. 108-18.
- Idem, 1974. "Two Manichæan Magical Texts, with an Excursus on the Parthian Ending -ēndēh," *BSOAS* 12/1, pp. 39-66.
- P. W. van der Horst, 1974. *An Alexandrian Platonist against Dualism*, Leiden.
- L. Koenen, 1978. "Augustine and Manichaeism in Light of the Cologne Mani Codex," *Illinois Classical Studies* 3, pp. 154-95.
- Idem and C. Römer, ed., 1988. *Der Kölner Mani-Kodex. Über das Werden seines Leibes*, Opladen.
- D. N. MacKenzie, 1980. "Mani's Šābuhragān [I]-II," *BSOAS* 42/3, 1979, pp. 500-34 (text and translation), 43/2, pp. 288-310 (glossary, plates).

1. Rose, 1979: 95.

2. ed. Flügel, 1862: 72, 102; Dodge, 797-98.

- R. Merkelbach, 1988. "Der manichäische Codex von Tebessa," in P. Bryder, ed., *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund Studies in African and Asian Religions 1, Lund, pp. 229-64.
- F. W. K. Müller, 1904. "Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkistan II," *APAW*, Anhang.
- A. Pedersen, 1988. "Early Manichaean Christology, Primarily in Western Sources," in P. Bryder, ed., *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism*, Lund Studies in African and Asian Religions 1, Lund, pp. 157-90.
- H. J. Polotsky, 1934. ed., *Manichäische Homilien*, Stuttgart.
- Idem, "Manichäismus," in *Pauly-Wissowa*, Suppl. VI, col. 267.
- Idem and A. Böhlig, 1940. *Kephalaia. Manichäische Handschriften der Staatlichen Museen Berlin I*, Stuttgart.
- H.-C. Puech, 1949. *Le Manichéisme. Son fondateur—sa doctrine*, Paris.
- G. Quispel, 1972. "Mani the Apostle of Jesus Christ," in *Epektasis. Mélanges patristiques offerts au Cardinal Jean Daniélou*, Paris.
- J. Ries, 1964. "Jésus-Christ dans la religion de Mani," *Augustiniana* 14, pp. 437-54.
- Idem, 1978. "Les titres néotestamentaires du Christ dans la liturgie gnostique de Médinat Mâdi," *Studia Biblica*; ed. E. A. Livingstone, Sheffield, 1980, pp. 321-36.
- Idem, 1979. *Die manichäische Christologie*, Wiesbaden.
- E. Rose, 1979. *Die Manichäische Christologie*, Wiesbaden.
- K. Rudolph, 1983. *Gnosis*, tr. and ed. R. M. Wilson, San Francisco.
- H. H. Schaeder, 1927. *Urform und Fortbildung des manichäischen Systems*, Leipzig.
- W. Sundermann, 1968. "Christliche Evangelientexte in der Überlieferung der iranisch-manichäischen Literatur," *Mitteilungen des Instituts für Orientforschung der Deutschen Akademie der Wissenschaften* 14, pp. 386-405.
- Idem, 1979. "Namen von Göttern, Dämonen und Menschen in iranischen Versionen des manichäischen Mythos," *Altorientalische Forschungen* 6, pp. 95-133.
- Idem, 1981. *Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, Berliner Turfantexte 11, Berlin.
- S. H. Taqizāda and A. Afšār Šīrāzī, 1335 Š./1956. *Mānī wa dīn-e ū*, Tehran.
- Theodor bar Konai, 1960. *Liber Scholiorum* II, ed. A. Scher, Louvain.
- E. Waldschmidt and W. Lentz, 1926. *Die Stellung Jesu im Manichäismus*, *APAW*, 1926, Philosophisch-historische Klasse, 4.
- O. G. Wesendonk, 1929. "Die Verwendung einiger iranischer Götternamen im Manichäismus," *Acta Orientalia* 7, pp. 114-79.
- P. Zieme, 1975. *Manichäisch-türkische Texte*, Berliner Turfantexte 5, Berlin.
- (1948): "A Sogdian Fragment of the Manichaean Cosmogony". *Bulletin of the school of Oriental and African Studies*, 12 (1948), 306-318.
- Humbach, H. and P. O. Skjærvø (1983): *The Sassanian inscription of Paikuli*. Part 3. 1 Restored text and translation; Part 3.2 Commentary by P. O. Skjærvø. Wiesbaden 1983.
- Huyse, Ph. (1990): "Noch einmal zu Parallelen zwischen Achaemeniden- und Sāsānideninschriften". *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 23 (1990), 177-183.
- Kanga, M. F. (1960): (ed): *Čītak Handarz i Pōryōtkēšān. A Pahlavi Text*. Bombay 1960.

- Khaleghi-Motlagh, DJ. (1997): (ed.) Abu'l-Qasem Ferdousi, *The Shahnameh (The Book of kings)* Vol. 5. Costa Mesa. Calif., and New York 1997 (Persian Texts Series, New Series, no.1).
- MacKenzie, D. N. (1979/1980): "Mani's šābuhragān". pt. 1 (text and translation). *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. 42 (1979). 500-34: pt. 2 (glossary and plates): 43 (1980), 288-310.
- (1989): "Kerdir's inscription". In: G. Herrmann, *The Sasanian Rock Reliefs at Nagsh-e Rostam*. Berlin 1989, 35-72 (Iranische Denkmaler. Lief. 13. Reihe II: Iranische Felsreliefs, I).
- Madan, D. M. (1911): (ed) *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, Bombay 1911. Ibn Al-Nadim: al-Fihrist. See B. Dodge (tr.).
- Piras, A (1999): "The Quiet of Worship. An Avestan-Manichean Middle Persian Parallel". *East and West* 49 (1999), 281-284.
- (2000): *Hādōxt Nask 2. Il racconto zoroastriano della sorte dell'anima. Edizione critica del testo avestico e Pahlavi, traduzione e commento*, Rome 2000.
- Reck, Ch. (1997): "84 000 Mädchen in einem manichäischen text aus zentralasien?". In: P. Kieffer pülz and J. – U. Harmann (eds), *Bauddhavidyāsudhākara: Studies in Honour of Heinz Bechert on the Occasion of His 65th Birthday*. Swistral-Odendorf 1997, 543-550.
- (2003): "Die Beschreibung der Daēnā in einem soghdischen manichäischen text". In: C. G. Cereti, M. maggi, and E. Provasi (eds.), *Religious Themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia. Studies in Honour of professor Gherardo Gnoli on the Occasion of his 65th Birthday on 6th December 2002*. Wiesbaden 2003, 323-338 (Beiträge zure Iranistik 24).
- Sims-Williams, N. and J. Cribb (1995/96): "A New Bactrian inscription of Kanishka the Great". *Silk Road Art and Archaeology* 4 (1995/96), 75-142.
- Skjærvø, P. O. (1983): "Kirdir's Vision. Translation and Analysis". *AMI* 16 (1983), 269-306.
- (1985): "Thematic and linguistic parallels in the Achaemenian and Sassanian inscription". In: *Papers in Honour of Professor Mary Boyce*. Leiden 1985, 593-603 (Acta Iranica 25).
- (1995a): "Iranian Elements in Manicheism: A Comparative Contrastive Approach. Irano Manichaica I". In: R. Gyselen (ed). *Au Carrefour des religion. Hommages à Philippe Gignoux*. Paris 1995, 263-284 (Res Orientales 7).
- (1995b): "Iranian Epic and the Manichaean Book of Giants". *Irano—Manichaeica 111. Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungariae*. 48 (1995). 187—223 (E. Jeremias [ed.]. Zsigmond Telegdi Memorial Volume).
- (1995c): "The Manichean Polemical Hymns in M 28 1". *Bulletin of the Asia Institute*, 9 (1995 [1997]), 239-255.
- (1996): "Zarathustra in the Avesta and in Manicheism. Irano-Manichaica IV". In: *La Persia e l'Asia centrale da Alessandro al X secolo (Roma, 9-12 november 1994)*. Rome 1996, 597-628.
- (1997) "The State of Old-Avestan Scholarship". *Journal of the American Oriental Society*. 117(1997). 103-114.

- (1998): "Royalty in Early Iranian literature". In: *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies ...* Cambridge... 1995. Wiesbaden 1998, 99-107.
- (2005): "Avestica III. Notes the Avestan Locative singular". In: D. Weber (ed.), *Languages of Iran — Past and Present*, Iranian Studies in memoriam David Neil MacKenzie. Wiesbaden 2005.197-206.
- (2006): "A New Block from the Paikuli Inscription". *Journal of Inner Asian Art and Archaeology* 1(2006, dedicated to David Bivar), 119-123.
- Sundermann, W. (1973): *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*. Berlin 1973. (Berliner Turfantexte, 4).
- (1981): *Mitteliranische manichäische texte kirchengeschichtlichen Inhalts*. Berlin 1981 (Berliner Turfantexte, 11).
- (1986/87): "Studien zur kirchengeschichtlichen Literatur der inranischen Manichäer. I-III". *Altorientalische Forschungen*, 13 (1986), 40-92, 239-317; 14 (1987), 41-107.
- (1988): "La passion de Mani – Calendrier liturgique ou événement historique?". In: *La Commémoration. Colloque du centenaire de la section des sciences religieuses de l'École Pratique des Hautes Études*. Louvain-Paris 1988. 225-31 (Bibliothèque de l'École Pratique des Hautes Études. Sciences religieuses. XCI).
- (1997): *Der Sermon von der seele*. Berlin 1997 (Berliner Turfantexte, 19).
- (2001): "Manichaean Polemics against the Zoroastrian Doctrine of Ohrmezd the Creator." In: A.A. Sadeghi (ed), *Tafazzoli Memorial Volume*. Tehran 2001, 71-77.
- (2005): "Die Dämonin Pēsūs". In: D. Weber (ed), (*Languages of Iran – Past and Present*, Iranian studies in memoriam David Neil MacKenzie. Wiesbaden 2005, 207-212.
- Tafazzoli, A. (1971): "Pahlavica". *Acta Orientalia* 33 (1971), 193-204.
- Thomson, R. W. (1978): (tr.) *Moses Khorenats'i, History of the Armenians*. Cambridge, Mass., 1978.
- Vansina, J. (1985): *Oral Tradition as History*. Madison, Wisc., 1985.
- Waldschmidt, E and W, Lentz (1926): *Die Stellung Jesu im Manichäismus*. Abhandlungen der Preußischen Akademie der Wissenschaften 1926, 4.